



تقدیم به اسوه تلاش، شہامت و پایداری

پدرم

تقدیم به شکوہ عشق و ایثار

مادرم

آن دو فرشته‌ای که از خواسته‌هایشان گذشتند، سختی‌ها را به جان خریدند و خود را سپر برای مشکلات و ناملایمات کردند تا من به جایگاهی که اکنون در آن ایستاده‌ام برسم.

تقدیم به اسطوره‌های دوستی و بهرایی

برادرانم (محمد، محمود، علی، مختار، صادق)

تقدیم به برادرزاده‌های عزیزتر از جانم

و تقدیم به آنان که عشقشان را در دل دارم

سپاس گذاری و قدردانی

سپاس خداوندی را که سخوران از ستودن او عاجز، حسابگران از شمارش نعمت های او ناتوان و تلاشگران از ادای حق او در مانده اند. خداوندی که حمد را بهای نعمت ها و پناهگاه از بلاها، و سیل می رسیدن به بهشت جاویدان و موجب افزایش احسان و کرمش قرار داد.

خدای یکتا را شاکرم که نعمت آموختن علم را به من ارزانی داد و توفیق شاکردی در محضر اساتیدی بزرگ راعطا نمود و با لطف و یاری او موفق به تکمیل این پایان نامه شدم. هر چند شکر و قدردانی از اساتید محترم که در طول سالیان تحصیل، بالانص در فراز و نشیب تدوین پایان نامه الهام بخش بنده بوده اند، از زبان قاصری جانب و جملات این متن بر نمی آید، اما بر خود لازم و واجب می دانم که از اساتید بزرگوار که همواره بهمدل و همراه بنده بوده اند، سپاس گذاری بنمایم.

از استاد گران قدر، جناب آقای دکتر اکبر غفوری به خاطر راهنمایی های پدرانه ایشان که به بهنگام تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد و در حیطه خط تدوین پایان نامه، چراغ راه اینجانب بوده و صبر و بردباری ایشان که همواره سرلوحه اعمال من بوده است، شکر و قدردانی می نمایم.

از استاد فرزانه، جناب آقای دکتر محمد علی اردکانی نیز به خاطر مشورت ها و ارشادهایی که در طول تحصیل و همچنین تدوین پایان نامه در اختیار اینجانب قرار داده اند و حقیقتاً در مقام استاد مشاور ایضاً نقش نموده اند، سپاس گذاری می نمایم.

از اساتید محترم، جناب آقای دکتر محمد علی توانا و جناب آقای دکتر امیر روشن به خاطر راهنمایی ها و ارشادهایی که در طول تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد در مقام استاد در اختیار اینجانب قرار داده اند کمال شکر و قدردانی را می نمایم.

در پایان از لطف اساتید محترم جناب آقای دکتر علیرضا افشانی و جناب آقای دکتر محمد علی توانا که قبول زحمت نموده و داوری این پژوهش را بر عهده گرفته اند سپاسگذاری می نمایم.



پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته علوم سیاسی

گرایش مسایل ایران

عنوان پایان نامه:

نقش بحران‌های توزیع و نفوذ در سقوط رژیم پهلوی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر اکبر غفوری

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر محمد عابدی اردکانی

نگارش و پژوهش:

اسماعیل احمدی کفرودی

پاییز ۹۱

چکیده

جوامع سیاسی همیشه در معرض مجموعه ای از بحران ها هستند. وضعیت بحرانی به زمانی گفته می شود که نخبگان از طریق عادی قادر به حل مشکلات نیستند. پژوهش حاضر بدنبال این است که رژیم پهلوی با چه بحران هایی مواجه بود و با بررسی نظریه بحران لوسین پای به بررسی علل سقوط رژیم پهلوی بپردازد. هر چند از دیدگاه وی بحران های پنج گانه (هویت، مشروعیت، مشارکت، توزیع و نفوذ) می توانند عامل سقوط حکومت ها باشند؛ اما به نظر نگارنده، بحران های توزیع و نفوذ نقش بیشتری در سقوط رژیم پهلوی داشتند. در واقع هدف اصلی این پژوهش این است که چرا علیرغم وجود عوامل متعدد در راستای تحکیم و ثبات نظام پهلوی دوم، بحران های توزیع و نفوذ زمینه ساز سقوط آنرا فراهم آوردند؟ بنابراین هدف از پژوهش حاضر، بررسی نقش و تأثیر بحران های توزیع و نفوذ در سقوط رژیم پهلوی می باشد. روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می باشد و جمع آوری داده ها به صورت اسنادی و کتابخانه ای می باشد. این تحقیق از نظر زمان، مقطعی، از نظر متغیر مورد بررسی کیفی و از نظر هدف بنیادی است. بخاطر تخصیص ناموزون و توزیع نامتوازن بودجه ها، شاهد شکاف عظیم طبقاتی در جامعه، مصرف گرایی فزاینده در میان طبقات بالا، صرف هزینه های زیاد در طرحهای زیربنایی رها کردن بخش کشاورزی و در نتیجه بحران توزیع هستیم. اصلاحات شاه، زمینه جدایی بازاریان، علما و طبقه بالای زمیندار را از شاه فراهم ساخت و از طرف دیگر رژیم نتوانست قلوب و اذهان طبقات پایین را با خویش همراه سازد. از طرف دیگر اصلاحات شاه منجر به خصومت میان رژیم و نهاد روحانیت گردید، و وی قادر به جلب حمایت علما نیز نگردید. اقدامات و اصلاحات محمدرضا پهلوی که شامل سیاست برخورد با قبایل و عشایر، سیاست سکولاریستی و ضد مذهبی رژیم، تمرکز بوروکراسی و ... بود؛ در جهت حل بحران نفوذ در جامعه دوران پهلوی بود. با توجه به این که این اصلاحات بدون در نظر گرفتن شرایط خاص سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران برنامه ریزی شده بود، بنابراین رژیم نه تنها نتوانست بحران نفوذ را در جامعه ایران حل نماید، بلکه باعث ایجاد شکاف های اجتماعی و سیاسی (مذهبی، قومی، طبقاتی، هویتی...) میان دولت و جامعه ایران شد که زمینه را برای سقوط رژیم فراهم نمود.

کلمات کلیدی: بحران توزیع، بحران نفوذ، توسعه سیاسی، رژیم پهلوی، لوسین پای

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|------|---|
| | فصل اول: کلیات پژوهش |
| ۲ | ۱-۱- بیان مسأله |
| ۴ | ۲-۱- هدف از اجرا |
| ۴ | ۳-۱- کاربرد نتایج تحقیق |
| ۵ | ۴-۱- سوالات تحقیق |
| ۵ | ۴-۱- سوال اصلی تحقیق |
| ۵ | ۴-۱- ۲ سوالات فرعی |
| ۵ | ۱-۵-۲ سابقه تحقیق |
| ۷ | ۶-۱- روش تحقیق |
| ۸ | ۷-۱- سازماندهی تحقیق |
| | فصل دوم: توسعه سرلاری و بحرانها |
| ۱۰ | ۲-۱- مقدمه |
| ۱۰ | ۲-۲- تعریف و ویژگیهای توسعه سرلاری |
| ۱۳ | ۲-۲-۱- مشارکت سرلاری |
| ۱۴ | ۲-۲-۲- ارتباطات سرلاری |
| ۱۵ | ۲-۲-۳- نهادسازی سرلاری |
| ۱۶ | ۲-۲-۴- مشروعیت سرلاری |
| ۱۹ | ۲-۳- نشانگان توسعه سرلاری |
| ۲۲ | ۲-۴- ویژگی های جامعه توسعه یافته سرلاری |
| ۲۲ | ۲-۴-۱- پیچیدگی و تخصصی شدن ساختارها و انفکاک نهادها |
| ۲۳ | ۲-۴-۲- مشارکت مردم در امور عمومی طی در صورت بندی قدرت |
| ۲۳ | ۲-۴-۳- توزیع قدرت و تبادل آن |
| ۲۴ | ۲-۴-۴- تربیت بدنی و سرلاری مردم |
| ۲۴ | ۲-۴-۵- چندگانگی سرلاری |
| ۲۴ | ۲-۴-۶- جامعه پذیری سرلاری |
| ۲۵ | ۲-۴-۷- تجاری دولت به عنوان ارگان آشنی طبقات |
| ۲۶ | ۲-۵- تعریف بحران و ویژگی های آن |
| ۲۸ | ۲-۵-۱- منشأ بحران ها |
| ۲۹ | ۲-۶- بحرانهای سرلاری |
| ۲۹ | ۲-۶-۱- بحران هویت |
| ۳۰ | ۲-۶-۲- بحران مشروعیت |
| ۳۲ | ۲-۶-۳- بحران مشارکت |
| ۳۵ | ۲-۶-۴- بحران نفوذ |
| ۳۵ | ۲-۶-۴-۱- معنای نفوذ و بحران نفوذ |
| ۳۷ | ۲-۶-۴-۲- وقوع بحران نفوذ |
| ۳۹ | ۲-۶-۴-۳- حل بحران نفوذ |
| ۴۳ | ۲-۶-۵- بحران توزیع |

| | |
|-----------|---|
| ۴۳ | ۲-۶-۵-۱- توزیع |
| ۴۵ | ۲-۶-۵-۲- بحران توزیع |
| ۴۷ | ۲-۶-۵-۴- بحران توزیع و منابع طبیعی |
| ۴۸ | ۲-۶-۵-۵- وقوع بحران توزیع |
| ۴۹ | ۲-۶-۵-۶- بحران توزیع و منابع انسانی |
| ۵۱ | ۲-۷- چهارچوب نظری تحقیق |
| ۵۲ | ۲-۸- نتیجه گیری |
| | فصل سوم : بحران توزیع در رژیم پهلوی |
| ۵۵ | ۳-۲- اصلاحات ارضی |
| ۵۶ | ۳-۲-۱- شرایط و علل اجرای طرح اصلاحات ارضی |
| ۵۹ | ۳-۲-۲- چگونگی اجرا و مراحل قانون اصلاحات ارضی |
| ۶۴ | ۳-۲-۳- نتایج و پیامدهای توزیع ناعادلانه زمین در برنامه اصلاحات ارضی |
| ۶۵ | ۳-۳- مدرنیزاسیون و برنامه های عمرانی در دوره پهلوی دوم |
| ۶۶ | ۳-۳-۱- برنامه عمرانی اول |
| ۶۶ | ۳-۳-۲- برنامه عمرانی دوم |
| ۶۷ | ۳-۳-۳- برنامه عمرانی سوم |
| ۶۸ | ۳-۳-۴- برنامه عمرانی چهارم |
| ۶۹ | ۳-۳-۵- برنامه عمرانی پنجم |
| ۷۴ | ۳-۴- آموزش و پرورش |
| ۷۶ | ۳-۵- بهداشت و درمان |
| ۸۰ | ۳-۶- سیاست های دولت و توسعه صنایع سریع |
| ۸۳ | ۳-۷- نتیجه گیری |
| | فصل چهارم: بحران نفوذ در دوران پهلوی |
| ۸۶ | ۴-۱- مقدمه |
| ۸۶ | ۴-۱-۱- زمینه های بروز بحران نفوذ در دوران پهلوی |
| ۸۸ | ۴-۲-۲- سیاست های قومی در دوره پهلوی اول |
| ۹۱ | ۴-۲-۱- سیاست های قومی در دوره پهلوی دوم |
| ۹۶ | ۴-۳- توسعه ریفتمگی سیاسی |
| ۹۷ | ۴-۳-۱- شکل گیری احزاب دولتی |
| ۱۰۰ | ۴-۳-۲- فقدان فضایی برای مخالفت سیاسی |
| ۱۰۰ | ۴-۳-۳- تمرکز بورکراسی اداری |
| ۱۰۰ | ۴-۳-۴- عدم مشارکت سیاسی طی سالهای ۱۳۵۷-۱۳۴۲ |
| ۱۰۶ | ۴-۴- محرومیت نسبی |
| ۱۰۶ | ۴-۴-۱- محرومیت نسبی رابرت گر |
| ۱۰۸ | ۴-۴-۲- احساس محرومیت نسبی در ایران |
| ۱۰۶ | ۴-۵- سیاست دیپلماتیک در زمان پهلوی دوم |
| ۱۰۸ | ۴-۶- سیاست ها و اقدامات فرهنگی و سکولاری محمد رضا شاه |
| ۱۰۶ | ۴-۷- نتیجه گیری |
| | فصل پنجم : نقش بحران نفوذ و توزیع در سقوط رژیم پهلوی |
| ۱۰۹ | ۵-۲- ساختار سیاسی حکومت پهلوی |

۳-۵- نتایج تخصصی ناموزون اعتبارات و توزیع نامتوازن

۴-۵- بوروکراسی ایران: ۴۲-۵۷

۴-۵-۱- عملکردهای توزیعی

۴-۵-۲- عملکرد نمادین

۵-۵- نفوذ روحانیت در جامعه ایران و سقوط پهلوی

۵-۶- بحران نفوذ و شکافهای اجتماعی و سرمایه‌ری

نسخه گوی

جمع بندی نتایج

منابع فارسی

منابع لاتین

۱۴۰.....

۱۴۶.....

۱۴۸.....

۱۵۱.....

۱۵۴.....

۱۵۸.....

۱۶۲.....

۱۶۳.....

۱۶۷.....

۱۷۴.....

فصل اول:

کلیات پژوهش

۱-۱- بیان مسأله

بررسی تحولات سیاسی و اجتماعی ایران قبل از سقوط رژیم پهلوی نشان می دهد، اگر چه؛ حکومت محمدرضا پهلوی از لحاظ نظامی از یک ارتش آموزش دیده، وفادار و مجهزی برخوردار و از لحاظ اقتصادی از درآمدهای نسبتاً بالایی بهره مند بود و ظاهراً توانسته بود که شرایط مطلوبی را فراهم آورد اما دچار بحران های مختلفی بود.

مخالفان دولت یا سرکوب و زندانی می شدند یا در حال تبعید به سر می بردند . دولت و مجلس کاملاً مطیع اوامر شاه بودند و از لحاظ بین المللی رژیم کاملاً مورد حمایت دو بلوک شرق و غرب قرار داشت؛ بنابراین شرایط از هر لحاظی برای حکومت پهلوی مطلوب است اما رژیم سلطنتی با جنبش های اعتراضی مردم (قیام مردم قم ، قیام تبریز) مواجه شد و کمتر از یک سال نظام سلطنتی سقوط نمود.

در واقع بحران توزیع به شیوه قدرت های حکومتی در توزیع کالاها، خدمات و ارزش ها در صحنه جامعه مربوط می شود. این بحران از الزام حکمیت بین گروه های مختلف اجتماعی، از تصمیم به تعیین اولویتها در زمینه نیازهای مطرح شده و از شیوه توزیع کارآمد و منصفانه سرچشمه می گیرد. حل چنین مشکلی عموماً از طریق تقویت مداخلات دولتی و توسعه دستگاه اداری امکان پذیر است.

از نقطه نظر ارزشی، نوسازی در رژیم پهلوی با عدم توجه به ارزش های همچون آزادی، امنیت و برابری همراه با دین زدایی در جامعه، سرکوب مطبوعات و احزاب، تشویق غرب زدگی، اعطای کاپیتولاسیون همراه گردید و این امر موجب واکنش نیروهای مذهبی و توده مردم ایران به سیاست های رژیم پهلوی شد.

در بخش خدمات وضع مسکن جزء برای وابستگان دولت و جامعه تجار، یا وحشتناک بود یا مشکلی هولناک؛ اغلب شهرهای کوچک و بزرگ از جمله تهران، فاقد سیستم فاضلاب کارا بودند؛ حمل و نقل شهری در همه جا، بویژه تهران به قدری خراب بود که غیر قابل توصیف است.

بر اساس آمارهای ارائه شده، رژیم از سال ۱۳۵۳ که قیمت نفت ۴ برابر شد از درآمدهای نفتی بالایی برخوردار گردید، اما رژیم نتوانست آنرا به طور عادلانه توزیع نماید. از یک طرف در نقاط شمال شهری مانند تهران شاهد زندگی افراد مرفه هستیم که سهم عمده ای از درآمدهای دولت برخوردار گشتند. از طرف دیگر اکثریت در روستاها و مناطق جنوب ش هری از حداقل امکانات محروم هستند.

دولت پهلوی به دلیل داشتن ساختار رانتیری و استبدادی به بحران توزیع ثروت، ارزش و خدمات در جامعه ایران دچار می شود. جامعه دیگر تحمل این وقایع را نداشت که منجر به یک شکاف گسترده طبقاتی می شود که زمینه را برای سقوط رژیم و انقلاب ۵۷ فراهم می آورد.

بحران دیگری که دولت پهلوی با آن روبه رو بود، بحران نفوذ بود این بحران از این ضرورت سرچشمه می گیرد که ساختارهای حکومتی موجود باید سیاستی را در پیش بگیرند که قادر باشد تمامی جمعیت را در بر گرفته و با زندگی روزمره مردم تماس گردد. حل این مسائل جدید از طریق ایجاد سلسله ای از نهادهای ملی، محلی و منطقه ای امکان پذیر است که صلاحیت خود را حتی در دور افتاده ترین روستاها اعمال نمایند.

بررسی تحولات سیاسی اجتماعی دهه ۳۰ و ۴۰ ایران نشان می دهد که جمعیت روستایی و عشایر ایران بیش از ۷۰٪ از کل جمعیت را تشکیل می دادند، نوعی نظام ارباب رعیتی در آنجا حاکم بود که منجر به بحران نفوذ می شد. پس دولت برای حل این بحران، اقدام به اجرای انقلاب سفید که مبتنی بر چند اصل ذیل بود، دست زد: ۱- اصلاحات ارضی و الغای نظام ارباب و رعیتی ۲- ملی کردن جنگلها و مراتع ۳- تبدیل کارخانه های دولتی به شرکتهای سهامی و فروش سهام آنها جهت تضمین اصلاحات ارضی ۴- مشارکت کارگران در سود خالص کارخانه ها ۵- تجدید نظر اساسی در قانون انتخاب به منظور اعطای حقوق کامل و برابر سیاسی به زنان ۶- ایجاد سپاه دانش، به منظور سواد آموزی و اشاعه فرهنگ در روستاها». به تدریج ۱۳ اصل دیگر به آن اضافه کرد که هر یک به اقتضای تحول جامعه و توسعه امکانات ملی و پیدایش نیازها و مقتضیات جدید ارائه گردید.

با توجه به این که این اصلاحات بدون در نظر گرفتن شرایط خاص سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران برنامه ریزی شده بود، لذا حاوی جنبه های ضد مذهبی بود و به دلیل تأمین منافع بیگانگان، استقلال کشور را خدشه دار و امنیت و منافع ملی ایران را نقض می کرد ، بنابراین رژیم نتوانست بحران نفوذ را حل کند.

این بررسی بدنبال این است که رژیم پهلوی با چه بحران هایی مواجه بود و با بررسی نظریه بحران لوسین پای (و دیگران) به بررسی علل سقوط رژیم پهلوی بپردازد. هر چند از دید گاه وی بحران های پنج گانه (هویت، مشروعیت، مشارکت، توزیع و نفوذ) عامل سقوط حکومت می باشند. اما به نظر نگارنده، بحران های توزیع و نفوذ نقش بیشتری در سقوط رژیم داشتند. حال سوالی که مطرح می شود این است که علیرغم وجود عوامل متعدد در راستای ثبات نظام، نقش بحران های توزیع و نفوذ در سقوط رژیم پهلوی چه بود؟

۲-۱- هدف از اجرا

هدف کلی از پژوهش حاضر، بررسی نقش و تأثیر بحران های توزیع (کالا، خدمات) و بحران نفوذ در سقوط رژیم پهلوی می باشد. اهداف خاص نیز عبارتند از تعریف توسعه سیاسی و بحران ها، مشخص کردن جایگاه بحران های نفوذ و توزیع در رژیم پهلوی می باشد.

۳-۱- کاربرد نتایج تحقیق

پژوهش مربوطه می تواند مورد استفاده دانشجویان و اساتید محترم دانشگاه ها قرار گیرد . همچنین نتایج تحقیق می تواند مورد استفاده مسئولین نظام، موقع برخورد با بحران های نفوذ و توزیع و مدیریت آن قرار گیرد.

۴-۱- سوالات تحقیق

۱-۴-۱ سوال اصلی

نقش بحران های توزیع و نفوذ در سقوط محمد رضا شاه پهلوی و پیروزی انقلاب چه بود؟

۲-۴-۱ سوالات فرعی

- ۱) دلایل و زمینه های شکل گیری بحران توزیع در رژیم پهلوی چه بود؟
- ۲) برنامه ها و اقدامات رژیم پهلوی دوم که منجر به بحران های نفوذ و توزیع شد چه بود؟
- ۳) دلایل شکل گیری بحران نفوذ در رژیم پهلوی چه بود؟

۱- ۵- سابقه تحقیق

در رابطه با تأثیر بحران توزیع و نفوذ بر ساختار سیاسی حکومت محمد رضل پهلوی تحقیقات مستقلی صورت نگرفته است، فقط از لابه لای آثاری که به نوعی مربوط به دوران پهلوی است می توان به طور پراکنده درباره این بحران ها مطالبی را مشاهده کرد.

اشرف زاده پایان نامه ای با عنوان «بررسی انقلاب اسلامی ایران از دیدگاه نویسندگان و مفسرین غربی» به رشته تحریر درآورده است (سال نشر: ۱۳۷۴) در این پایان نامه، آرا نویسندگان و مفسرین غربی درباره ریشه ها و عوامل انقلاب اسلامی ایران جمع آوری شده و آنگاه آنها را براساس موضوع در چند فصل گنجانده است. بطور کلی در این پایان نامه درباره اهمیت انقلاب اسلامی ایران و جایگاه این انقلاب در مقایسه با دیگر جهان بحث و بررسی شده و از مفهوم انقلاب و انقلاب اسلامی هم تعریف هایی ارائه داده است. همچنین زمینه های مذهبی ؛ یعنی جایگاه مذهب در جامعه، انقلاب و انقلاب اسلامی را نیز مورد تحلیل قرار داده است.

«ایران بین دو انقلاب» نوشته آبراهامیان نیز یکی از پژوهش‌هایی است که در مورد انقلاب اسلامی مباحث مفصلی دارد (سال نشر: ۱۳۸۳). این کتاب به سه بخش اصلی تقسیم شده است: بخش اول به پیشینه تاریخی برای فهم تحولات ایران نوین می‌پردازد. بخش دوم به بررسی دگرگونی‌های سالهای فروپاشی رضاشاه و به قدرت رسیدن محمدرضا می‌پردازد. بخش سوم به توصیف برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی محمدرضا، تنش‌ها و بحران‌های سیاسی که به رابطه این برنامه‌ها مربوط می‌شود می‌پردازد. پرواند آبراهامیان علت اصلی انقلاب سال ۵۷ را توسعه ناموزون می‌داند. رژیم دچار بحران اقتصادی به شکل تورم حاد می‌شود به طوری که شاخص هزینه زندگی از میزان صد در سال ۱۳۵۰ به صد و نود در سال ۱۳۵۵ می‌رسد. آبراهامیان نتیجه می‌گیرد که نوسازی در حوزه اقتصادی - اجتماعی و عدم نوسازی در حوزه سیاسی (توسعه نامتوازن) باعث سقوط رژیم پهلوی شد.

کتاب «اقتصاد سیاسی ایران» نوشته کاتوزیان (سال نشر: ۱۳۸۲). در این کتاب فصلی تحت عنوان استبداد نفتی است که به رابطه استبداد نفتی و توسعه اقتصادی می‌پردازد که سال‌های ۳۲ تا ۵۷ دربرمی‌گیرد و نویسنده استبداد و تظاهر به مدرنیسم را ویژگی آن می‌شمارد. رشد درآمد نفت، میزان و کیفیت استقلال مالی و قدرت سیاسی دولت را نسبت به طبقات دارا و نهادهای مذهبی افزایش داد.

هنگامی که کشور در آستانه دروازه‌های تمدن بزرگ قرار داشت سهم کل تولیدات صنعتی (تولیدات دستی روستایی و سنتی) در تولید ناخالص داخلی غیر نفتی بیست درصد بود در حالیکه سهم خدمات پنجاه و شش درصد بود. به توصیف و تحلیل ارزیابی فرایندهای توسعه اقتصادی و سیاسی پرداخته، که از ترکیب استبداد دیرینه ایرانی، پدیده جدید شبه مدرنیسم و عامل غیر تاریخی درآمد نفت پدید آمد و به استقرار یک نظام اقتصادی سیاسی منحصر به فرد انجامید.

«مقاومت شکننده» نوشته فوران (سال نشر: ۱۳۸۵) تقابل دولت با طبقه‌ی مسلط اجتماعی را در ساختار ایران بررسی می‌نماید. او سعی می‌کند دولت که در رأس آن نظام پادشاهی است را از طبقه‌ی مسلط و قومیت اجتماعی در ایران متمایز کرده و معتقد است این دو گروه عملاً در تقابل با یکدیگر قرار داشته‌اند. این باعث شد که ما شاهد انقلابات و دگرگونی‌های اجتماعی باشیم که

نتیجه‌ی کنش بین این دو گروه است و در نتیجه شاهد تسلط دولت و سرکوب مقاومت هستیم. از دیدگاه او وابستگی به سرمایه‌ی خارجی و سلطه‌ی دولت در ساختار بندی اجتماعی نقش مهمی را ایفا می‌کند و معتقد است تقابل بین توسعه‌ی وابسته که توسط دولت تحمیل شده و وجود اتحادهای مردم‌گرایانه که دارای خاستگاه‌های فرهنگی متفاوتی بوده‌اند باعث ایجاد تنش شده است.

مقاله «توزیع: مدیریت بحران» نوشته جوزف لاپالومبا را (سال نشر: ۱۳۸۵) که به بررسی رابطه ایدئولوژی و توزیع و همچنین چگونگی توزیع منابع طبیعی و انسانی در جامعه می‌پردازد و در گفتار پایانی به بررسی رابطه بین محیط بین‌المللی و بحران توزیع می‌پردازد. با این حال وقتی به مباحث و تحقیقات صورت گرفته در این زمینه مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم که این تحقیقات به تنهایی به علل انقلاب پرداخته‌اند و چگونگی پیدایش آنها را ذکر نموده‌اند، اما تا کنون در مورد تأثیر بحران توزیع بر پیدایش انقلاب به صورت مستقیم اشاره‌ای نشده است. نگارنده در این پژوهش با دیدی متفاوت به بررسی بحران‌های نفوذ و توزیع به عنوان یکی از عوامل زمینه‌ساز سقوط رژیم پهلوی و شکل‌گیری انقلاب اسلامی می‌پردازد.

۱-۶- روش تحقیق

روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد و جمع‌آوری داده‌ها به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای می‌باشد. این تحقیق از نظر زمان، مقطعی، از نظر متغیر مورد بررسی کیفی و از نظر هدف بنیادی است.

۱-۷- سازماندهی تحقیق

این پژوهش شامل پنج فصل می باشد:

فصل اول شامل کلیات تحقیق که شامل بیان مسأله، ضرورت تحقیق، هدف از اجرا و کاربرد نتایج تحقیق می باشد.

فصل دوم توسعه سیاسی و بحران ها می باشد که شامل مباحث نظری است که در این فصل ضمن تعریف توسعه سیاسی، نشانگان توسعه سیاسی را براساس نظریه لوسین پای و شاخص های یک جامعه توسعه یافته سیاسی را بیان می کند و ضمن تعریف بحران و ویژگی های آن بحران توزیع و نفوذ به صورت مفصل مورد بررسی قرار می گیرد.

فصل سوم شامل بحران توزیع در رژیم پهلوی می باشد. توزیع ناکارآمد غیرمنصفانه و ناعادلانه در برنامه اصلاحات ارضی، پنج برنامه عمرانی توسعه خدمات، آموزش و پرورش، بهداشت و صنایع مورد بررسی قرار می گیرد.

فصل چهارم بحران نفوذ را در دوران پهلوی مورد بررسی قرار می دهد. اقدامات محمدرضا پهلوی سیاست ضد مذهبی و سکولاریستی، برخورد با قبایل و عشایر، توسعه نیافتگی سیاسی را که باعث تشدید بحران نفوذ می شود را مورد بررسی قرار می دهد.

فصل پنجم نقش بحران توزیع و نفوذ در سقوط رژیم پهلوی را مورد بررسی قرار می دهد. که با ذکر نتایج بحران نفوذ و توزیع که در رژیم پهلوی صورت گرفته بود و نقش آن در سقوط رژیم و شکاف هایی که در اثر این بحران ها به وجود آمده بود پرداخته می شود.

فصل دوم:

توسعه سیاسی و بحران ها

این فصل به دو قسمت اصلی تقسیم می‌شود در قسمت اول به تعریف توسعه سیاسی و ویژگیهای آن پرداخته می‌شود و توسعه سیاسی را به معنای تحول در چهار حوزه مشروعیت سیاسی، مشارکت سیاسی، ارتباطات سیاسی و نهادسازی سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین ضمن توضیح فرایند توسعه سیاسی از سه دیدگاه اصلی تاریخی، گونه‌شناختی، و تکاملی؛ نشانگان توسعه سیاسی را بر اساس نظریه پای و دیگران و شاخص‌های یک جامعه توسعه یافته سیاسی را بیان می‌کند. در قسمت دوم که بحث اصلی چارچوب نظری را شامل می‌شود ضمن تعریف بحران و ویژگی‌های آن و منشأ بحرانها، نظریه بحران‌ها بر اساس نظریه پای و دیگران توضیح داده می‌شود و بحران توزیع و بحران نفوذ، علل وقوع آن راه حل آن و مسائل مرتبط با آن به طور مفصل و دقیق توضیح داده می‌شود.

۲-۲- تعریف و ویژگی‌های توسعه سیاسی

توسعه در لغت به معنای خروج از «لفاف و پوشش»، وسعت دادن، فراخ کردن، بهتر شدن و قدرتمند شدن است. اولین نکته در باب توسعه این است که این کلمه دارای بار ارزشی بوده است و تقریباً مترادف با کلمه بهبود به کار می‌رود. در این زمینه برنشتاین می‌گوید تلاش برای ایجاد توسعه بار ارزشی به همراه دارد که کمتر کسی با آن مخالف است (قدیری معصوم، ۱۳۷۹: ۲). دادلی سیرز توسعه را جریانی چند بعدی می‌داند که تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی، اجتماعی را به همراه دارد. به عقیده او توسعه، علاوه بر بهبود میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساختمان‌های نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین وجهه نظرهای عمومی مردم است. توسعه در بسیاری از موارد حتی آداب و رسوم و عقاید مردم را نیز دربر می‌گیرد (تودارو، ۱۳۶۴: ۱۳۴).

بنابراین توسعه به فراگردی گفته می‌شود که در آن جامعه از وضع نامطلوبی به وضع مطلوبی متحول می‌شود. این فراگرد تمامی نهادهای جامعه را در بر می‌گیرد و ماهیت آن اساساً آن است

که، توان و ظرفیت با لقوه جامعه به صورت بالفعل درمی آید. به عبارت دیگر در فرآیند توسعه، استعدادها و سازماندهی جامعه از هر جهت بارور و شکوفا می شود چه از نظر اقتصادی و چه از نظر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی (اسدی، ۱۳۶۹: ۱۵). توسعه سیاسی در جامعه ای که هنوز بر تأثیر گذاری بر سرنوشت خود معتقد نیست و دچار گمانه تقدیر گرایی است و تمام سرنوشت خود را ناشی از خواسته های ماوراء طبیعی می داند به کندی پیش خواهد رفت (امین زاده، ۱۳۷۷: ۷۵)

از نظر سنتی، اکثر علمای اجتماعی توسعه سیاسی را به منزله فراگردی فرض می کنند که نه تنها نوسازی، بلکه نظام سیاسی، تغییرات خط مشی و ملت سازی را نیز شامل می شود. در واقع اهداف توسعه سیاسی آنچنان دامنه دار است که هیدی آنها را به صورت «دموکراسی، برابری، ثبات، مشروعیت، مشارکت، بسیج، نهادی کردن، قابلیت، نفوذ، توزیع، همبستگی، عقلانی کردن، امنیت، رفاه، عدالت، آزادی» شناسایی کرده است (لمکو، ۱۳۷۶: ۵۶).

اکثر نظریه پردازان بین توسعه اقتصادی و سیاسی رابطه نزدیکی مشاهده کرده اند که اگر یک دولت به نحو مؤثر ارزش مهمی برای اتباعش فراهم آورد، به مرور زمان این امر ممکن است به نظام سیاسی مشروعیت بدهد. در دنیای امروز این کارایی در درجه اول به معنای توسعه مستمر اقتصادی است. کشورهایی که خود را به بهترین وجه با مستلزمات یک نظام صن عتی تطبیق داده اند کمترین کشاکش های سیاسی را دارند (قدیری معصوم، ۱۳۷۹: ۶). بنابراین می توان گفت توسعه سیاسی فرایندی است که زمینه لازم را برای نهادی کردن تشکل و مشارکت سیاسی فراهم می کند و حاصل آن افزایش توانمندی یک نظام سیاسی است.

توسعه سیاسی در همه جوامع به معنای گسترش مشارکت و رقابت ایدئولوژیک گروه های اجتماعی در عرصه زندگی سیاسی می باشد. در آغاز، تعریفی از نظام سیاسی توسعه یافته را ارائه می کنم که در آن بر عناصر اصلی توسعه سیاسی یعنی مشارکت سیاسی و رقابت ایدئولوژیک اشاره می شود. توسعه سیاسی وقتی حاصل می شود که اولاً گروه ها و نیروهای اجتماعی گوناگون بتوانند به علایق و منافع خود از نظر سیاسی سازمان بدهند. ثانیاً در درون ساختار سیاسی، نهادهای گوناگون توسعه یافته باشند و حکومت براساس پیچیدگی و گسترش نهادهای سیاسی بتواند به تلفیق علایق و منافع گوناگون پردازد همچنین روش های مسالمت آمیزی برای حل اختلافات و منازعات پدید آمده وجود داشته باشد ثالثاً در درون نهادهای سیاسی مستقر، مجال مشارکت و

رقابت سیاسی و مستمر و مسالمت آمیز وجود داشته باشد رابعاً مجموعه ساختارها و فرایندهای بالا از استمرار و مشروعیت گسترده ای برخوردار باشد و به صورت قانونی (در قانون اساسی) نهادینه شده باشد (بشیریه، ۱۳۸۴: ۵۸۱).

مشارکت سیاسی به معنای وجود رقابت و منازعه مسالمت آمیز بین بخش های گوناگون جامعه سیاسی برای بدست آوردن قدرت و اداره جامعه و تعریف مصالح عمومی است . در چنین نظامی میان حکومت و جامعه رابطه اندام واری برقرار است و حکومت کم و بیش در مقابل خواسته های گوناگون گروه اجتماعی متفاوت، احساس مسئولیت می کند و دست کم برخی از آن خواسته ها و منافع را در سیاستهای خود منعکس می نماید . امکان بیان فردی و یا جمعی خواسته ها یعنی مشارکت سیاسی، مستلزم وجود برخی آزادی های اساسی در جامعه است . به عبارت دیگر وجود چنین آزادی ها باید از آزادی بیان عقاید، تشکیل انجمن ها و اجتماعات، آزادی انتخاب میان ایدئولوژی ها و سازمان های سیاسی گوناگون، امکان برخورداری از منابع گوناگون اطلاعات و امکان رقابت برای تبلیغ عقاید خود و جلب پشتیبانی عامه مردم نام برد . رقابت سیاسی مسالمت آمیز و مشارکت عامه در زندگی سیاسی، بی شک و مطلقاً نیازمند چنین آزادی هایی است (بشیریه، ۱۳۸۳: ۷۱).

با این حال هرچه امکان رقابت سیاسی بیشتر باشد و نیز هرچه دامنه مشارکت سیاسی گسترده تر شود و موانع کمتری بر سر راه مشارکت وجود داشته باشد ، می توان گفت که نظام سیاسی توسعه یافته تر است. بنابراین وجود رقابت سیاسی و ایدئولوژیک و مشارکت سازمان یافته، نهادمند و گسترده از ویژگی های اصلی نظام سیاسی توسعه یافته به شمار می رود (بیل، ۱۳۸۳: ۶۹).

از جمع بندی دیدگاه های مختلف می توان نتیجه گرفت که توسعه سیاسی به معنای وقوع تحول در ۴ حوزه می باشد که عبارتند: ۱- مشارکت سیاسی ۲- مشروعیت سیاسی ۳- ارتباطات سیاسی ۴- نهادسازی.